

پژوهش‌های قرآن و حدیث

سال چهل و نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵
Vol. 49, No. 2, Autumn and Winter 2016-2017
DOI: 10.22059/jqst.2017.229555.668838
صص ۳۰۵-۳۲۵

جریان اهل ادب امامیه در مدرسه حدیثی بغداد از آغاز تا سده چهارم هجری

محمد حسین شیرزاد^۱، محمد حسن شیرزاد^۲، سید علی اکبر ربیع نتاج^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۳/۰۸)

چکیده

بغداد یکی از اصلی‌ترین مراکز تجمع شیعیان امامی است که در طول سده‌های متممادی به مکان مناسبی برای رشد فرهنگ تشیع در عرصه‌های حدیثی، تفسیری، فقهی و کلامی تبدیل شده است. در میان جریان‌های نیک‌شناخته امامی در بغداد باید از «جریان اهل ادب» یاد کرد که به رغم جایگاه مهم در تاریخ فکر امامیه، مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. لذا، این نوشتار برای نخستین بار به بازشناسی این جریان کم‌شناخته امامی در بغداد می‌پردازد. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که این جریان همزمان با تأسیس بغداد در سده دوم و متأثر از «ادب دیوانی» برآمده از فرهنگ ایرانیان در آیین کشورداری، پای گرفت. همچنین معرفی شخصیت‌های اثرگذار این جریان فکری روشن می‌سازد که اهل ادب امامیه بغداد، افزون بر توجه به امور دیوانی در دستگاه حکومتی، به تولید آثار ارزنده‌ای در دیگر جنبه‌های ادب همچون ادب زبان‌شناختی، اخلاقی و دینی همّت گماردند.

کلیدواژه‌ها: ادب، بغداد، تاریخ حدیث امامیه، عراق، مدرسه حدیثی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول).

Email: m.shirzad862@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع).

Email: m.shirzad861@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر.

Email: sm.rabinataj@gmail.com

۱. طرح مسئله

«بغداد» یکی از مهم‌ترین شهرها در تاریخ اسلام است که سال‌ها به عنوان پایتخت سیاسی جهان اسلام شناخته می‌شد. این شهر در سال ۱۴۵ق توسط منصور دوانیقی که نقش مهمی در تثبیت خلافت نوین‌یاد عباسی داشت، در نزدیکی مدائن، پایتخت ساسانیان، بنیان نهاده شد [۳۹، ج ۱، صص ۳۷۵-۳۷۸؛ ۴۹، ج ۴، صص ۴۵۷-۴۶۱؛ ۷۶، ج ۱، صص ۴۵۷-۴۶۰]. موقعیت سیاسی بغداد، افزون بر تبدیل این شهر به یک مرکز مهم تجاری، آن را به محیط مناسبی برای شکوفایی علم و دانش در حوزه‌های مختلف چون ریاضیات، نجوم، مهندسی و طب مبتدل ساخت [برای آگاهی بیشتر، ر.ک: ۵۹، صص ۳۳۲-۳۳۷]. در عرض این دسته از دانش‌های طبیعی و ریاضی، باید از بغداد به عنوان یک مرکز مهم دینی یاد کرد که در گسترش شاخه‌های گوناگون علوم و معارف اسلامی چون حدیث، تفسیر، فقه و کلام نقش درخوری ایفا کرد [برای آگاهی بیشتر، ر.ک: ۳۳، صص ۳۱۳-۳۳۲].

افزون بر امکانات و ظرفیت‌های گسترده بغداد، حضور امام کاظم^(ع) و امام جواد^(ع) در این شهر و حضور امام هادی^(ع) و امام عسکری^(ع) در سامرا (نزدیکی بغداد) موجب شد تعداد فراوانی از اصحاب ایشان^(ع) از بدو تأسیس بغداد، به آن دیار مهاجرت کرده و در آن مقیم شوند؛ رخدادی که بی‌شک از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری یک مکتب مقتدر امامی در بغداد بود و در نهایت با ظهور شخصیت‌هایی چون شیخ مفید (د. ۴۱۳ق)، سید مرتضی (د. ۴۳۶ق) و شیخ طوسی (د. ۴۶۰ق)، بغداد را به بلندآوازه‌ترین بوم امامیه مبتدل ساخت.

به رغم نقش بغداد در توسعه حدیث، فقه و کلام امامیه در عراق، تنها حوزه کوفه مورد توجه خاص عالمان شیعی در ادوار بعد قرار گرفت. با این حال، در سالیان اخیر و در پی اقبال حدیث پژوهان معاصر به تدوین تاریخ حدیث امامیه، از «بغداد» به عنوان یکی از مراکز علمی تشیع سخن به میان آمده است. نخست باید از مجید معارف یاد کرد که پس از برشماری دلایل اقامت عالمان امامی در بغداد، به اختصار از کوشش آن‌ها در برپایی یک حوزه درسی اثرگذار سخن گفته است [۷۰، صص ۳۰۳-۳۰۵؛ ۷۱، صص ۳۷۰-۳۷۴]. سید محمدکاظم طباطبایی نیز مدرسه حدیثی بغداد را مورد توجه قرار داده، علاوه بر معرفی محدثان مشهور و آثار ماندگار آن سامان، اصول و مبانی این مدرسه حدیثی را نیز تبیین کرده است [۴۸، صص ۱۰۱-۱۲۰]. سید رضا مؤدب نیز ضمن بحث از اهتمام متقدمان به حدیث در سده پنجم، از حوزه

حدیثی بغداد یاد کرده، به بیان تفاوت‌های آن با مکتب حدیثی قم پرداخته است [۶۱]، صص ۱۲۲-۱۲۴].

کوشش‌های پیش‌گفته، در عین شایستگی، در این نقطه که بغداد را در بازه زمانی نیمه دوم قرن چهارم تا نیمه نخست قرن پنجم مورد مطالعه قرار داده‌اند، مشترکند. از همین روی، احمد پاکتچی با اشاره به دانسته‌های اندک از بغداد در سده‌های دوم و سوم، آن را در عرض بوم‌های بصره، واسط و بلاد جزیره قرار داده، به عنوان یکی از حوزه‌های کم‌شناخته حدیث امامیه در عراق معرفی کرده است [نک: ۳۲، صص ۱۳۷-۱۳۹]. در نهایت باید از موسوی تنیانی یاد کرد که با انتقاد از بی‌توجهی به مدرسه حدیثی بغداد در عصر حضور، به تألیف مقاله مستقلی در همین باب پرداخته است [۷۲]، سراسر اثر].

مطالعه حاضر قصد دارد با هدف تکمیل پژوهش‌های پیشین و با توجه به اطلاعات برجای‌مانده از کوشش‌های امامیان بغداد در طول سده‌های دوم تا چهارم هجری، با مطالعه همین بازه زمانی، به معرفی یک جریان ناشناخته امامی که پیدایی و شکوفایی‌اش متعلق به همین بوم و عصر مورد نظر است، بپردازد؛ جریانی که آن را «اهل ادب» نام‌گذاری کرده‌ایم و تاکنون پژوهش مستقلی را که به بحث پیرامون آن بپردازد، نیافته‌ایم. بر این اساس، در پژوهش حاضر به این پرسش‌ها پاسخ داده شده است که ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری این جریان امامی در بغداد چیست؟ با تکیه بر منابع رجالی و تاریخی، اهل ادب از چه پایگاه علمی و جایگاه اجتماعی برخوردار بودند؟ شاخصه‌های فکری و رفتاری این جریان که آن را از دیگر گروه‌های امامی در بغداد متمایز می‌سازد چیست؟ کدام یک از اصحاب امامان معصوم^(ع)، به این جریان فکری تعلق داشتند؟ و چه آثار علمی از سوی این جریان امامی نگاشته شده است؟ به منظور پاسخگویی به این پرسش‌ها، پس از معرفی اجمالی مکتب حدیثی بغداد، گفتمان ادب‌گرایی در جهان اسلام را به بحث گذارده و پس از بیان ویژگی‌های شاخص آن، به شناسایی جریان اهل ادب امامی در بغداد خواهیم پرداخت.

۲. مکتب حدیثی بغداد

بغداد در نیمه سده دوم هجری، شهری تازه تأسیس بود که طبیعتاً باید مدتی می‌گذشت تا بتواند با بهره‌گیری از دستاوردهای دیگر بوم‌های جهان اسلام، مراحل آغازین رشد خود را پشت سر گذارد. لذا شکل‌گیری مکتب حدیثی امامیه در بغداد مرهون مهاجرت

عالمان امامی از دیگر بوم‌ها - به ویژه کوفه - و بهره‌گیری از میراث حدیثی و علمی امامیه از آن‌ها بود. با این حال، شتاب رشد علمی در بغداد تا بدان حد بود که به سرعت، به یکی از معتبرترین بوم‌های علمی امامیه تبدیل شد و صاحب اصول و مبانی مخصوص به خود گردید.

در بحث از اعتبار مکتب حدیثی بغداد باید گفت، این مکتب در اواسط سده سوم به حدی از تشخص رسیده بود که منابع روایی امامیه، از رجال آن شهر در اسانید روایات با تعبیر «بعض البغدادیین» یاد می‌کردند [۳۲، ص ۱۳۷]. همچنین یادکرد از مشایخ حدیثی بغداد در عرض مشایخ کوفه و قم، نشان از موقعیت ممتاز مکتب حدیثی بغداد در نظرگاه رجال‌شناسان متقدم امامی دارد [مثلاً نک: ۷۳، صص ۳۵۰-۳۵۱]. افزون بر این، حضور صاحبان کتب اربعه در بغداد که نقشی بی‌بدیل در فرهنگ تشیع داشتند، نشان از اهمیت محافل حدیثی این بوم دارد. شیخ کلینی (د. ۳۲۹ق) سال‌های پایانی عمر خود را در بغداد گذراند و بخش مهمی از تألیف *الکافی* را در آنجا سامان داد. [نک: ۷۳، ص ۳۷۷] سفر ابن بابویه (د. ۳۸۱ق) به بغداد در سال ۳۵۵ق. و استماع برخی از مشایخ آن دیار از وی نیز بر رونق محافل حدیثی بغداد گواهی می‌دهد [۵۶، ص ۱۴۷]. شیخ طوسی (د. ۴۶۰ق) نیز در سده پنجم با مهاجرت از خراسان به بغداد، در آن دیار مقیم شد و بخش اصلی عمر علمی خویش را در آنجا سپری کرد [نک: ۵۶، ص ۱۴۸]. شاخص‌ترین ویژگی فکری مکتب حدیثی بغداد را می‌توان گرایش به اجتهاد در حوزه حدیث و توجه به عقل‌گرایی در بررسی روایات دانست [برای آگاهی بیشتر، به عنوان نمونه ر.ک: ۴۸، صص ۱۱۲-۱۱۳؛ ۶۱، ص ۱۲۳]. چه بسا همین رویکرد اجتهادمحور به احادیث است که باعث شد، موضوع بسیار مهم و کلیدی اختلاف‌الحدیث برای نخستین بار توسط عالمان حدیثی همین بوم مورد توجه قرار گیرد. یونس بن عبدالرحمان و ابن ابی عمیر که از مشاهیر بوم بغداد به شمار می‌آیند، از پیشگامان تألیف آثاری با نام «اختلاف‌الحدیث» بودند [۵۰، ص ۵۱۱؛ ۷۳، ص ۳۲۷]. نیز در سخن از نوآوری‌های حدیثی مکتب بغداد می‌توان به شکل‌گیری گونه «جامع‌نویسی» در ادبیات حدیثی آن سامان اشاره کرد که برای اولین بار توسط عالمان بغدادی به رشته تحریر درآمدند [۷۲، ص ۱۵۱]. آثاری از قبیل «*الجامع فی سائر أبواب الحلال و الحرام*» اثر ظریف بن ناصح، «*جامع فی أبواب الفقه*» اثر علی بن ابی حمزه بطائنی و «*الجامع الکبیر فی الفقه*» اثر یونس بن عبدالرحمان از همین دسته از تألیفات به شمار می‌آیند [۷۳، صص ۲۰۹، ۲۵۰ و ۴۴۷].

با این همه و به رغم درخشش مکتب حدیثی بغداد در طول حدود سه سده، قدرت اجتماعی شیعیان در این بوم به دلیل پایان یافتن اقتدار آل بویه و تسلط سلجوقیان بر بغداد، کاهش یافت و مکتب علمی امامیه در آن بوم رو به افول گذاشت.

در پژوهش حاضر در راستای تکمیل پژوهش‌های پیشین و بر پایه فهرس و منابع متقدم امامی، یکی از ابعاد جدید مدرسه حدیثی بغداد و از مهم‌ترین شاخصه‌های آن، یعنی «ادب‌گرایی» - که تاکنون مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و شناخت آن می‌تواند در فهم جنبه‌های دیگری از این مکتب حدیثی سودمند باشد - به بحث گذاشته می‌شود.

۳. زمینه‌های پیدایی گفتمان ادب در جهان اسلام

«ادب» از جمله انگاره‌هایی است که ورود آن به دنیای اسلام، مرهون دوره فتوحات و تصرف ایران به دست مسلمانان در سده نخست هجری است. تماس فرهنگی میان ایرانیان و اعراب در این مقطع تاریخی، زمینه انتقال تجربیات ایرانیان به فرهنگ عربی را در عرصه اداره امور مملکتی فراهم آورد [۴۳، صص ۲۴۷-۲۴۹؛ ۶۳، ص ۸]. ابتدای نظام سیاسی اعراب بر ساختار قبیلگی و فقدان تجربه کافی برای اداره سرزمین‌های فتح‌شده، آن‌ها را به استفاده از الگوهای جدیدی که با آن روبرو می‌شدند، سوق می‌داد [نک: ۵۷، ج ۱، صص ۲۶۰-۲۶۱]. یکی از انگاره‌هایی که با وام‌گیری‌های گسترده در حوزه اداره مملکت ارتباط مستقیم داشت، انگاره پارسی ادب بود.

انگاره ادب برگرفته از ریشه فارسی باستان «دپ» (dīp) و «دب» (dab) به معنای نوشتن است [۶۴، ص ۷؛ برای آگاهی از دیگر نظرات، ر.ک: ۵۲، صص ۲۲-۳۲]. همین ریشه کهن است که افزون بر واژه ادب، زمینه اشتقاق واژگانی چون «دبیر» و «دیوان» در زبان فارسی را فراهم آورده است [۳۸، ج ۲، صص ۱۲۶۶ و ۱۴۰۵؛ ۵۸، صص ۱۰۴ و ۱۲۱؛ ۶۸، صص ۷۱ و ۱۸۸]. دبیر در عهد ساسانیان، بر نویسندگانی اطلاق می‌شد که در دستگاه حکومت، به نگارش مسائل مرتبط با کشورداری اشتغال داشتند [۴۳، ص ۲۴۹؛ ۷۵، ص ۳۰۹]. برابرنهاد «کاتب» در زبان عربی، برای اشاره به همین گروه مورد استفاده قرار می‌گرفت [۶۴، ص ۸]. «دیوان» نیز به محل نگارش مکتوبات حکومتی گفته می‌شد که مکان استقرار دبیران در دارالحکومه بود [۴۰، ج ۷، صص ۱۰۰۵۸-۱۰۰۶۰؛ برای آگاهی از انواع دیوان‌های حکومتی، ر.ک: ۴۳، ص ۲۴۹].

با گسترش قلمروی اسلامی، نیاز به استخدام کاتبان ایرانی که بر فنون دبیری تسلط داشتند، بیش از پیش احساس شد. بر همین اساس، نخستین جوانه‌های ادب‌گرایی در

جهان اسلام، با «ادب دیوانی» ظهور یافت [۱، ص ۲۹۹]. اشتغال در دیوان‌ها، در وهله نخست، مستلزم کسب توانایی در نگارش متون، سخنوری و شعرسرایی بود. افزون بر این، دبیران وظیفه داشتند آداب همنشینی با سلاطین را به فرزندان خاندان حکومتی، ندیمان و فرماندهان آموزش دهند [برای آگاهی بیشتر، ر.ک: ۷۹، ج ۱، ص ۱۳؛ ۸۰، ج ۱، صص ۱۷۵-۱۷۶].

۴. سیر تطوّر گفتمان ادب در جهان اسلام؛ مروری بر سده‌های دوم تا چهارم

آنچه ادب را به عنوان شاخه‌ای مستقل در فرهنگ اسلامی هویت بخشید، تلاش‌های عبدالحمید بن یحیی و دوست او ابن مقفع در سده دوم هجری بود که با وام‌گیری بخش مهمی از فرهنگ ایرانی، به ساماندهی تشکیلات و نظام‌های اداری پرداخته و به معرفی اخلاق و آداب جدیدی در جامعه اسلامی همت گماردند [۱، ص ۲۹۸].

عبدالحمید بن یحیی (۷۵-۱۳۲ق) که اصالتاً ایرانی بود، بخش مهمی از زندگی خویش را در دربار اموی گذرانده بود و به دبیری اشتغال داشت [۱۵، ص ۵۴۸]. او به عنوان یکی از سرشناسان همین فن، رساله *إلی الکتاب* را نگاشت و دانش‌های مورد نیاز دبیران را در آن تبیین کرد [۵۳، ج ۲، صص ۴۴۰-۴۴۱؛ نک: ۵۴، صص ۱۷۲-۱۷۵]. عبدالله ابن مقفع (ح ۱۰۶-۱۴۲ق) نیز که تباری ایرانی داشت، به انسانی شایسته برای جذب در دستگاه حکومتی تبدیل شد و در روزگار امویان و عباسیان، به کتابت در دارالخلافه اشتغال داشت [۲۶، ج ۳، ص ۹۲]. ارتباط وی با دربار، موجب ترجمه برخی از کتاب‌های پهلوی به زبان عربی همچون *«التاج فی سیره أنوشروان»* گردید؛ کتابی که پیرامون آداب و آیین پادشاهان ایرانی سامان یافته بود [۲۹، ص ۲۹]. نکته درخور تأمل درباره ادب‌گرایی ابن مقفع آن است که وی اگرچه همچون عبدالحمید به ادب دیوانی عنایت داشت، اما مخاطبان گسترده‌تری را نیز برای آداب خویش در نظر گرفت. او با عبور از ادب دیوانی، «ادب اخلاقی» را در طیف وسیعی از خصلت‌ها و رفتارهای اجتماعی پسندیده در حوزه‌هایی چون آداب خوردن، آشامیدن، لباس پوشیدن و سخن گفتن برای عموم مردم مطرح کرد [نک: ۱۶، صص ۱۰۲-۱۳۷].

شاخص‌ترین ادیبی که در سده سوم هجری به بسط گفتمان ادب در جهان اسلام یاری رساند عمرو بن بحر، معروف به جاحظ (۱۶۰-۲۵۵ق) بود. او با دربار ارتباط داشت [۲۶، ج ۳، ص ۱۰۶] و به دلیل اشتها به ادب‌دانی، به عنوان مؤدب فرزندان خلیفه

انتخاب شد [نک: ۳۶، ج ۱، ص ۳۸۱]. وی با تألیف رساله *ذمّ أخلاق الکتاب*، به طبقه دبیران در جامعه اسلامی توجه کرد و پیامدهای اخلاق ناشایست آنان را گوشزد نمود [نک: ۳۵، ج ۲، صص ۱۸۷-۲۰۹]. کتاب *التاج فی أخلاق الملوک* - از آثار منسوب به جاحظ - نیز آداب همنشینی با سلاطین را آموزش داده است [۳۷، ص ۲] و به روشنی بر میزان اثرپذیری عهد عباسی از فرهنگ دیوان سالاری ایرانی دلالت دارد [۲۹، صص ۱۹-۲۰].

همزمان با جاحظ، آثار دیگری در حوزه ادب به نگارش درآمدند که محور آموزش‌های خود را بر توصیه‌های اخلاقی پیامبر اکرم (ص) قرار داده بودند. در قبال ادب‌گرایی‌های پیشین که ناظر به بهبود اداره امور مملکتی (ادب دیوانی) و ساماندهی به رفتارهای اجتماعی عموم مردم (ادب اخلاقی) بود، این طیف از اهل ادب با هدف تأمین سعادت اخروی، «ادب دینی» را سامان دادند [۱، صص ۳۰۹-۳۱۰]. حارث بن أسد محاسبی (۱۶۵-۲۴۳ق) نخستین فردی است که کتاب مستقلی را با عنوان *ادب النفوس* نوشت و در آن آموزه‌های اخلاقی پیامبر (ص) و صحابه را بازگو کرد [نک: ۶۳، جم]. حدود دو دهه پس از او، شاهد ظهور محدث نام‌آشنای اهل سنت، محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق) هستیم. وی با اثرپذیری از گفتمان ادب، کتاب *الآداب المفرد* را به شیوه محدثانه و با هدف جمع‌آوری آداب و تعالیم اخلاقی پیامبر اکرم (ص) و صحابه سامان داد [۲۳، سراسر اثر؛ برای آگاهی از رویکرد بخاری به ادب: نک. ۳۴، ص ۴۶۲]. افزون بر این، بخاری و شاگرد وی مسلم بن حجاج (۲۰۴-۲۶۱ق) کتابی با عنوان «*الآداب*» را در صحاح خویش آوردند. [نک: ۲۴، کتاب ۸۱، ۶۶، کتاب ۳۸]. افزون بر آن دو، آثار عبدالله بن ابی الدنيا (۲۰۸-۲۸۱ق) نیز مشحون از تعالیم اخلاقی پیامبر اسلام (ص)، صحابه و تابعان است [نک: ۴، سراسر اثر؛ ۵، سراسر اثر]. او علاوه بر نگارش کتابی مستقل با عنوان *الآداب*، به تألیف بیش از صد رساله پیرامون موضوعات متنوع ادب دینی همّت گمارد [نک: ۶۶، ج ۱، صص ۱۰-۱۶].

در بحث از سرآمدان اهل ادب، باید از عبدالله بن قتیبه دینوری (۲۱۳-۲۷۶ق) سخن گفت؛ شخصیتی که توجهی ویژه به طبقه دبیران داشت و کتاب *ادب الکاتب* را تألیف و آن را به وزیر حکومت عباسی اهدا کرد [نک: ۱۴، صص ۱۷-۱۸]. او همچنین نخستین باب کتاب *عیون الأخبار* را تحت عنوان «کتاب السلطان» سامان داده و آن را به بیان عادات و اخلاق پادشاهان و نیز آداب مورد نیاز صاحبان آنها اختصاص داد [۱۳، ج ۱، ص ۴۳]. کتاب *المعارف* وی نیز مرجع مناسبی برای پاسخ به نیازهای کاتبان شمرده

می‌شد [۵۵، ص ۱۰۹]. وی افزون بر ادب دیوانی، در کتاب‌های *عیون الأخبار و المعارف*، به تعالیم دینی برآمده از قرآن و روایات نبوی^(ص) نیز توجه داشت و به حوزه «ادب دینی» سوق یافت [۱، ص ۳۰۵].

همانگونه که گفته شد، به دلیل ضرورت تسلط دبیران دستگاه حکومتی بر فنون نویسندگی و سخنوری، «ادب زبان‌شناختی» دوشادوش ادب دیوانی مورد اهتمام دبیران قرار گرفت. بر همین اساس، ابن قتیبه دو فصل از کتاب *أدب الکاتب* را که «تقویم الید» و «تقویم اللسان» نام نهاده بود، به بیان قواعد ادبی مورد نیاز دبیران، اختصاص داد [نک: ۱۴، فصل‌های دوم و سوم]. تألیف آثاری چون *إعراب القرآن، الشعر و الشعراء، معانی الشعر و جامع النحو* نیز نشانه‌ای دیگر بر اهتمام ابن قتیبه به ادب زبان‌شناختی است [۱۷، ص ۱۱۵]. از سوی دیگر جاحظ نیز با تألیف کتاب *البيان و التبیین*، زمینه شکوفایی ادب زبان‌شناختی را فراهم آورد؛ کتابی که از دیدگاه ابن خلدون یکی از اصول چهارگانه فن دبیری محسوب می‌شد [۹، ص ۷۶۳]. جالب آنکه برجستگی این جنبه از گفتمان ادب تا بدانجا بود که عملاً ادب را از سده نهم هجری در علوم ادبی همچون لغت، صرف، نحو و بلاغت منحصر کرد [نک: ۲۷، ج ۲، ص ۶۵۵؛ ۷۴، ج ۱، صص ۱۰۶-۱۰۷؛ ۸۰، ج ۱، ص ۱۷۶].

۵. بغداد، پایگاهی برای جریان فکری ادب امامیه

همانگونه که گذشت، پیدایی گفتمان ادب در جهان اسلام مرهون تماس فرهنگی اعراب با ایرانیان در دوره فتوحات بود. نقش مؤثر ایرانیان در تحولات سیاسی سده دوم و کوشش‌های فراوان ایشان در انتقال قدرت از امویان به عباسیان، بر ارتقای جایگاه اجتماعی آن‌ها افزود و موجب اثرپذیری نظام سیاسی عباسیان از آن‌ها شد [۲۸، ص ۲۹۳]. نقش ایرانیان در این برهه، آنچنان شدت گرفت که حتی نام پایتخت خلافت عباسی یعنی «بغداد»، واژه‌ای ایرانی مرگب از دو جزء «بغ» (bag) و «داد» (dād) به معنای «خداداد» بود [۳۹، ج ۱، صص ۳۶۴-۳۶۶]. نیز انتخاب مکانی در نزدیکی مدائن (پایتخت ساسانیان) برای ساخت شهر بغداد، دلالتی آشکار بر نقش تعیین‌کننده ایرانیان در خلافت عباسی داشت. همین قرابت فراوان میان بغداد و مدائن بود که باعث شد، خطیب بغدادی بخشی از کتاب *تاریخ بغداد* را به ذکر اخبار شهر مدائن اختصاص دهد [نک: ۳۹، ج ۱، صص ۴۵۱-۵۸۱]. علاوه بر این، اثرپذیری عباسیان از ایرانیان را می‌توان

در پایه‌ریزی اصول کشورداری عباسی‌ها براساس سنت دیوان‌سالاری ایرانیان مشاهده کرد؛ امری که باعث به خدمت گرفتن شماری از ایرانیان در دستگاه عباسی برای امور دبیری شد [۴۳، صص ۲۴۷-۲۴۹].

پیشتر گذشت که بغداد به دلایل مختلف، از بدو تأسیس به یکی از مراکز تجمع شیعیان امامی بدل شده بود. علاوه بر آن، جمعی از عالمان امامی که در این شهر می‌زیستند، از سرآمدان اهل ادب در آن دیار بوده و هم در عصر حضور امامان معصوم^(ع) و هم در عصر غیبت، به فعالیت‌های ادبی در حوزه‌های متنوع اشتغال داشتند؛ از حضور در دستگاه خلافت عباسی برای مناصب دیوانی گرفته تا فعالیت در حوزه‌های ادب زبان‌شناختی و دینی. نوشتار حاضر برای معرفی کوشش‌های همین جریان امامی در بغداد سامان یافته است.

پیش از ورود به موضوع اصلی این نوشتار، یادآوری دو نکته ضروری است: نخست، تمایز میان مناصب دیوانی با دیگر مناصب حکومتی چون وزارت و حجابت، امری حائز اهمیت است. آنچه در مطالعه حاضر مورد نظر است، شناسایی گروهی از امامیان بغداد است که به منصب دبیری در دستگاه حکومت اشتغال داشتند. بر همین اساس، در نوشتار حاضر از معرفی دیگر صاحب‌منصبان - شخصیت‌هایی چون قاسم بن عروه، وزیر منصور عباسی [۶۰، ج ۲، ص ۶۷۰]؛ عیسی بن روضه، حاجب منصور عباسی [۷۳، ص ۲۹۴]؛ عبدالله بن سنان، خازن منصور، مهدی، هادی و هارون عباسی [۷۳، ص ۲۱۴]، حسن بن راشد، وزیر مهدی، هادی و هارون عباسی [۲۵، ص ۲۶] و علی بن یقطین [۵۰، صص ۲۷۰-۲۷۱] - خودداری می‌شود. [برای آگاهی از وزیران امامی مذهب دستگاه عباسی، ر.ک: ۶۹، صص ۶۹-۷۰].

از سوی دیگر باید گفت شخصیت‌های امامی متعلق به جریان فکری ادب در بغداد، لزوماً به مناصب دیوانی اشتغال نداشتند و گروهی از آن‌ها آثاری در دیگر ابعاد ادب همچون ادب زبان‌شناختی و ادب دینی تألیف کردند. از این رو، گوناگونی گرایش‌های ادب‌گرایانه عالمان امامی، امری طبیعی و برآمده از حوزه‌های متنوع شکل‌گرفته در گفتمان ادب است.

در ادامه، روند ادب‌گرایی امامیان بغداد و نمایندگان شاخص جریان اهل ادب بغداد، از سده دوم تا چهارم هجری مورد بحث قرار می‌گیرد.

۵. ۱. ادب‌گرایی امامیان بغداد در عصر حضور

همزمان با تأسیس شهر بغداد در سدهٔ دوم و تشکیل ساز و کار حکومتی در آن، برخی از اصحاب امامان معصوم^(ع) به کتابت و دبیری در دستگاه حکومتی اشتغال داشتند و ارتباط امامیه با خلافت عباسی را برقرار ساختند؛ ارتباطی که می‌توانست به بهبود موقعیت سیاسی-اجتماعی شیعیان امامی در آن سامان یاری رساند.

در یادکرد از ادیبان امامی قرن دوم، نخست باید از فضل بن سلیمان یاد کرد که ضمن مصاحبت با امام صادق^(ع) و امام کاظم^(ع) و نقل روایت از ایشان، به امر کتابت و دبیری در دستگاه حکومت عباسی نیز اشتغال داشت. وی که در منابع رجالی به «الکاتب» اشتهار یافته است، از کاتبان دیوان خراج در دورهٔ منصور و مهدی عباسی بود [۱۱، ص ۲۷۲؛ ۷۲، ص ۳۰۶]. دیگر امامی این عصر، فضل بن یونس است که به کتابت در دستگاه حکومتی اشتغال داشت و از اصحاب امام کاظم^(ع) شمرده می‌شود [۵۱، ص ۳۴۲؛ ۷۲، ص ۳۰۹].

بر پایهٔ اطلاعات رجالی، سید اسماعیل حمیری (۱۰۵-۱۷۹ق) از پیشگامان امامی‌مذهب در توجه به ادب زبان‌شناختی در بغداد و از شاعران برجستهٔ زمان خویش بود [۸، ج ۱، صص ۴۳۶-۴۳۷؛ ۱۱، ص ۵۹]. وی گرچه به کتابت در دستگاه حکومتی اشتغال نداشت، اما به عنوان یکی از شاعران مبرز عصر خویش، با دربار عباسی ارتباط برقرار کرد و به مدح خلفای عباسی پرداخت [برای آگاهی بیشتر در این باره، ر.ک: ۲۰، ج ۳، صص ۴۰۸، ۴۱۲-۴۱۴].

اهل ادب امامیهٔ بغداد در سدهٔ سوم قمری نیز ارتباط خود با دستگاه خلافت را حفظ کردند. احمد بن عبدالله بن مهران معروف به ابن‌خانبة که تباری ایرانی داشت، از همین امامیان است که نزد اسحاق بن ابراهیم^۱ به کتابت اشتغال داشت. او پس از مدتی به دلایل نامعلوم، از ادامهٔ همکاری با دستگاه حکومتی دست کشید و اثری با عنوان کتاب *التأدیب* تألیف کرد [۵۶، ص ۱۵؛ ۶۰، ج ۲، ص ۸۳۷]. از این رو، وی نخستین امامی است که در بغداد، اثری مستقل در باب ادب نگاشت. گفتنی است، ابن‌خانبة علاوه بر دبیری در دستگاه حکومت، با امام رضا^(ع) مکاتباتی داشت [۷۳، ص ۳۴۶] و ضمن ارتباط با امام

۱. اسحاق بن ابراهیم از افراد برجستهٔ خاندان طاهری است که مورد وثوق خلفای عباسی بود و مناصب مهمی را بر عهده داشت [نک: ۶، ج ۵، ص ۵۶۴، ج ۶، ص ۱۲۷؛ ۹، ج ۳، صص ۳۲۰ و ۳۴۴].

حسن عسکری^(ع)، کتاب التادیب را بر ایشان عرضه کرد [۴۴، ص ۱۸۳؛ ۶۲، ج ۸۳، ص ۱۴].

ابن سگیت (۱۸۶-۲۴۴ق) از دیگر امامیان بغداد است که مدتی از عمر خویش را همراه با پدر خود، در محله «درب القنطره» بغداد به تادیب کودکان سپری کرد [۳۹، ج ۱۶، ص ۳۹۷؛ ۷۷، ج ۵، ص ۶۴۲]. او بعدها به عنوان یکی از سرشناسان شعر و لغت عرب، مدت‌ها در سامراء - که از دوره خلافت معتصم به عنوان پایتخت خلافت عباسی انتخاب شده بود [۶، ج ۶، صص ۱۵-۱۶؛ ۷۸، صص ۵۱-۵۲] - ساکن شد و وظیفه تادیب فرزندان متوکل عباسی را بر عهده داشت [۱۷، ص ۱۰۷]. وی که از اصحاب امام جواد^(ع) و امام هادی^(ع) محسوب می‌شود، چندین کتاب پیرامون شعر و ادبیات عرب نیز تألیف نمود [نک: ۷۳، صص ۴۴۹-۴۵۰؛ ۷۷، ج ۵، صص ۶۴۳-۶۴۴]. کتاب *إصلاح المنطق* که نشانه دیگری بر توجه وافر او به ادب زبان‌شناختی است، تا بدان حد مورد توجه قرار گرفت که شخصیتی چون مبرد، آن را بهترین کتاب اهالی بغداد دانسته است [۳۹، ج ۱۶، ص ۳۹۷].

همچنین أحمد بن ابراهیم، ملقب به «الکاتب» که از اصحاب امام هادی^(ع) و از یاران نزدیک امام حسن عسکری^(ع) است، در بغداد و سامراء به پیشه کتابت اشتغال داشت و از ندیمان متوکل عباسی بود [۷۷، ج ۱، ص ۲۹۳]. توصیف وی به «شیخ أهل اللغة» نشان می‌دهد که او افزون بر کتابت، به علم لغت نیز توجهی ویژه داشته است و از سرشناسان این حوزه از ادب شناخته می‌شد. تألیف آثاری چون *شعر العجیر السلولی*، شعر ثابت *قطنه و أشعار بنی مرّه بن همّام* نشانگر علاقه وی به ادب زبان‌شناختی است [۵۰، ص ۶۶؛ ۷۲، ص ۹۳]. گفتنی است، پدر او ابراهیم نیز از ندیمان معتصم، واثق و متوکل عباسی به شمار می‌رفت [۷۷، ج ۱، ص ۲۹۶].

یعقوب بن یزید الأنباری از دیگر اصحاب امام جواد^(ع) و امام هادی^(ع) بود که مدتی از عمر خود را در بغداد گذراند. وی از کاتبان منتصر، خلیفه عباسی، در سامراء بود [۵۱، ص ۳۹۳؛ ۷۳، ص ۴۵۰]. از وی به عنوان یکی از اصحاب ابو نواس، شاعر پرآوازه، یاد کرده‌اند که در پادگان نظامی سامراء به شعرسرایی مشغول بود. وی دارای طبعی لطیف و بیانی عاری از تکلف بود [۳۹، ج ۱۶، ص ۴۲۰؛ ۴۱، ج ۸، ص ۲۰۲؛ ۶۵، ص ۵۰۷].
رجاء بن یحیی بن سامان مشهور به «الکاتب» که از راویان امام هادی^(ع) شمرده می‌شود [۵۱، ص ۳۸۷]، از دیگر امامیان این دوره است که به ادب‌ورزی اشتغال داشت. وی که به منطقه عَبَرَتَا - از مناطق تحت کنترل بغداد [۷۶، ج ۴، ص ۷۷] - تعلق داشت،

از امامیانی است که به کتابت در دستگاه خلافت عباسی مشغول بود [۷۳، ص ۱۶۶]. همچنین باید از عبدالله بن حسین بن سعد القطرلی^۱ یاد کرد که از دیگر امامیانی سرشناس اهل ادب محسوب می‌شد. او که از خواص اصحاب امام حسن عسکری^(ع) شمرده می‌شود، از شاگردان ثعلب - از پیشوایان کوفیان در نحو و لغت - بود و خود نیز به کتابت اشتغال داشت [۷۳، ص ۲۳۰].

۵. ۲. ادب‌گرایی امامیان بغداد در عصر غیبت

بررسی منابع تاریخی و رجالی حاکی از آن است که با پایان یافتن عصر حضور در میانه سده سوم، جریان ادب‌گرایی همچنان در میان امامیه بغداد به حیات خویش ادامه داد. پویایی این جریان فکری، زمینه‌ساز تربیت نسل جدیدی از ادیبان امامی شد که برخی از ایشان، از نام‌آوران مذهب امامیه در طول تاریخ به شمار می‌آیند.

در سخن از ادیبان نیمه دوم سده سوم، نخست باید از اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت، مشهور به ابوسهل نوبختی (۲۳۷-۳۱۱ق) یاد کرد که افزون بر اشتها به علم کلام، از دیوان‌سالاران امامی در بغداد بود. او متعلق به یکی از خاندان‌های ریشه‌دار ایرانی بود که از بدو تأسیس بغداد، در آن ساکن شده و به اختربینی و دبیری شهره بودند [۴۲، صص ۱۷۷-۱۷۸]. جد او، دبیر و اختربینی زبردست بود که به دلیل ارتباط گسترده با منصور عباسی، طالع‌بینی برای تعیین زمان آغاز بنای بغداد به او سپرده شده بود [۷۶، ج ۱، صص ۴۶۰-۴۶۱]. ابوسهل نوبختی که برآمده از چنین خاندانی بود، به فردی چیره‌دست در ادب‌گرایی مبدل شد. وی علاوه بر توانایی در سرودن شعر، به روایت اخبار ابو نواس می‌پرداخت [نک: ۱۹، ص ۱۰۴؛ برای مشاهده برخی از اشعار او، ر.ک: ۴۷، ج ۹، ص ۱۰۳]. او افزون بر ادب زبان‌شناختی، در حوزه ادب دیوانی نیز شخصیتی کارآمد بود و اشتهاش به «کاتب» [همان]، در اشتغال او به مقامات دبیری و دیوانی در دستگاه خلافت ریشه داشت [نک: ۷۳، ص ۳۱؛ برای آگاهی بیشتر از ادب‌گرایی ابوسهل نوبختی، ر.ک: ۳۰، صص ۲۱۳-۲۱۷].

نیز در همین عصر باید از محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله بن اسماعیل معروف به ابن ابی الثلج (۲۳۸-۳۲۵ق) نام برد که کتابی با عنوان *السنن و الآداب علی مذاهب العامه* تألیف کرد. این کتاب گرچه بر جای نمانده است، اما عنوانش به روشنی از

۱. قُطْرَبَل نام قریه‌ای است که میان بغداد و عکبرا واقع شده است [۷۶، ج ۴، ص ۳۷۱].

جهت گیری ادب‌گرایانه وی حکایت دارد [۱۷، ص ۳۲۶]. نیز اشتهاوی به «کاتب» در منابع رجالی و تاریخی، نشانه آشکاری بر آشنایی او با حرفه دبیری است [۳۹، ج ۲، ص ۱۹۱؛ ۷۲، ص ۳۸۱].

سده چهارم قمری در بغداد، عصر ظهور بزرگانی از امامیه است که به حوزه ادب توجه جدی داشتند. پیش از همه باید از ابن جنید اسکافی (ح. ۲۹۰-۳۷۵ق) یاد کرد که مدتی از عمر خویش را در بغداد گذرانده بود و اشتهاوی به «کاتب» نشانه آشنایی وی با فنون دبیری است. همچنین نگارش کتاب‌هایی با عناوین *جوابات معزالدوله* و *جوابات سبکتکین العجمی* به خوبی حاکی از ارتباط او با دستگاه حکومتی معزالدوله دیلمی و امیرش سبکتکین است [نک: ۷۳، ص ۳۸۸]. چه بسا انتساب ابن جنید به خاندان بنی جنید که در منطقه اسکاف - از نواحی نهروان بین بغداد و واسط - ریاست داشتند [۷، ج ۱، ص ۴۳۰؛ ۷۶، ج ۱، ص ۱۸۱]، بر علاقه وی به ادب دیوانی بی‌تأثیر نبوده باشد. همچنین نگارش کتاب *علم النجابه فی علم الکتابه* توسط وی نیز بر علاقه وافر او به فنون کتابت و دبیری دلالتی روشن دارد [۷۳، ص ۳۸۸].

محمد بن جعفر بن محمد الهمدانی معروف به مراغی، یکی دیگر از امامیان اهل ادب در بغداد است که چهره‌ای شناخته شده در نحو و لغت بود [۳۹، ج ۲، ص ۵۳۴]. تألیف کتاب *ذکر المَجاز من القرآن* توسط او به روشنی از اهتمام وی به ادب زبان‌شناختی حکایت دارد [۷۳، ص ۳۹۴]. او که از راویان احمد (فرزند ابن قتیبه) از ادیبان مشهور جهان اسلام - بود، به چنان شهرتی رسید که او را در میان معاصرانش بی‌مانند می‌دانستند [۷۷، ج ۵، صص ۲۷۹-۲۸۰]. انتخاب وی برای تأدیپ بختیار (عزالدوله)، فرزند معزالدوله، باعث شکل‌گیری ارتباطات گسترده او با دستگاه حکومتی آل‌بویه شد [۷۷، ج ۵، ص ۲۷۹].

از دیگر ادیبان همین دوره می‌توان از احمد بن محمد بن عبیدالله الجوهری (د. ۴۰۱ق) یاد کرد که از دوستان نجاشی و پدر او بود. به تعبیر نجاشی، او انسانی خوش ذوق، با طبع لطیف شاعرانه و فردی نیرومند در ادب بود که با تألیف آثاری چون *شعر ابي هاشم (داود بن قاسم الجعفری)* و *أخبار السید (اسماعیل الحمیری)* به غنای ادب زبان‌شناختی در این دوره همت گمارد [۷۳، صص ۸۵-۸۶].

در همین دوره، برخی از آل‌اعین نیز از ادیبان امامی در بغداد محسوب می‌شده‌اند. آل‌اعین یکی از بیوت دیرین امامی در بوم کوفه بود که عده بسیاری از فقیهان، قاریان، راویان و ادیبان را پروراند [۲۲، ج ۱، ص ۲۲۲] که البته پس از چندی، برخی از آن‌ها به

دیگر مناطق همچون بغداد کوچ کردند. فرزند ابوغالب زراری، عبیدالله بن احمد (زاده به سال ۳۱۳ق.) از جمله این افراد است که در بغداد به «کاتب» شهرت داشت و به عنوان شاعر و ادیب شناخته می‌شد [۳۹، ج ۱۲، ص ۱۱۰]. نیز نواده ابوغالب زراری، محمد بن عبیدالله (زاده به سال ۳۵۲ق.) از علاقه‌مندان به حوزه ادب زبان‌شناختی بود و کتاب *جمل البلاغه* را تصنیف کرد [۷۳، ص ۳۹۸؛ برای مشاهده اطلاعات بیشتر، ر.ک: ۱۸، صص ۱۵۱-۱۵۲].

حسین بن محمد بن جعفر الخالغ (۳۳۳-۴۲۲ق.) از دیگر ادیبان امامی بغداد است [۳۹، ج ۸، ص ۶۷۸] که به شعر و ادب علاقه وافر داشته و از بزرگان علم نحو در دوره خود محسوب می‌شد [۴۷، ج ۱۲، ص ۲۱۴]. نگارش کتاب‌های متعددی چون *أمثال العامه*، *صناعة الشعر*، *تختلات العرب* و *کتاب الشعراء*، نشانه‌ای آشکار بر تبخّر او در ادب زبان‌شناختی است [۷۳، ص ۷۰؛ نیز نک: ۴۶، همانجا].

از دیگر ادیبانی که بخش قابل توجهی از عمرش را در بغداد گذرانده، محدث شهیر، احمد بن عبدالواحد معروف به ابن عبدون (د. ۴۲۳ق.) است [نک: ۲۱، ص ۲۰۴]. به گفته نجاشی، او از قوّت بالایی در حوزه ادب برخوردار بود و کتب ادب را نزد بزرگان اهل ادب فراگرفته بود [۷۳، ص ۸۷]. از آثار ادبی وی می‌توان به *أخبار السید بن محمد* - مقصود سید اسماعیل حمیری است - [همان] و به ویژه *آداب الحکماء* اشاره کرد [۲، ج ۱، ص ۱۷].

در رأس ادیبان امامی بغداد در دهه‌های پایانی سده چهارم هجری، بایستی از محمد بن الحسین الموسوی مشهور به سید رضی (۳۵۹-۴۰۶ق.) یاد کرد که توانست با ادغام ادب زبان‌شناختی با ادب اخلاقی-دینی، آثار برجسته‌ای را همچون *نهج البلاغه* بیافریند. او که در علوم گوناگون اسلامی چون تفسیر، قرائت، کلام، حدیث، فقه و اصول فقه تبخّر داشت، ادیبی زبردست در عصر خویش نیز بود [۳، ج ۱، ص ۳۲]. همچنین شهرت او در شعرسرایی تا بدان حد بود که نزد برخی، به عنوان بهترین شاعر قریش شناخته می‌شد [۳۹، ج ۳، ص ۴۰]. نکته جالب توجه در آثار سید رضی، تلفیق رویکرد ادبی با تألیفات تخصصی او در حوزه‌های گوناگون دانش اسلامی است. کتاب‌های تفسیری وی *تلخیص البیان عن مجازات القرآن* و *حقائق التأویل فی متشابه التنزیل* دارای امتیازهای فراوان از جنبه ادب زبان‌شناختی است و به وضوح بر تسلط وی بر ادبیات دلالت دارد [۳۱، ص ۷۲]. آثار حدیثی او چون *المجازات النبویة* و *نهج البلاغه* نیز با رویکرد ادیبانه به رشته تحریر درآمده‌اند [برای مشاهده عناوین آثار او، ر.ک: ۱۲،

ص ۵۱؛ ۷۲، ص ۳۹۸؛ جهت مشاهده رویکرد ادیبانه سید رضی در تألیف *نهج البلاغه*، ر.ک: ۴۵، صص ۳۴-۳۵]. نکته پایانی پیرامون وی، ارتباط او با دستگاه حکومتی در بغداد است. او مناصب اجتماعی متعددی را پذیرفت که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: نقابت طالبین در بغداد، امارت حاجیان در موسم حج و ولایت بر دیوان مظالم [۳، ج ۱، ص ۳۵؛ ۷۲، ص ۳۹۸]. بدون تردید، شایستگی سید رضی برای تصدی این مناصب خطیر، علاوه بر علم و فضل او، ریشه در جامعیت شخصیت او به عنوان یک «ادیب» واقعی داشت.

علی بن الحسین الموسوی مشهور به سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ق) از دیگر اندیشمندان امامی بغداد در سده چهارم است که در علوم متنوع اسلامی، سرشناس و بی‌همتا بود. او که در کلام، فقه و اصول فقه زبازد بود، به عنوان برترین ادیب زمانه خویش نیز معرفی شده است. برخی از کتاب‌های او همچون *أمالی*، دیوان اشعار و شرح قصیده سید اسماعیل حمیری، بر جایگاه ممتاز ادبی او در نحو، لغت و شعر گواهی می‌دهد. وی افزون بر توجه وافر به ادب زبان‌شناختی، از ادب دیوانی نیز غافل نبود که نمود روشن آن را می‌توان در پذیرش مناصب سیاسی-اجتماعی همچون ولایت بر دیوان مظالم، پس از مرگ برادرش سید رضی، مشاهده کرد [۵۰، صص ۲۸۸-۲۹۰؛ ۷۲، صص ۲۷۰-۲۷۱؛ ۷۷، ج ۴، صص ۷۷-۷۸]. تألیف رساله‌ای با عنوان *مسألة فی العمل مع السلطان* توسط وی نیز که در باب نحوه همکاری، پذیرش مسئولیت، گرفتن هدایا و حقوق از سلاطین و ... نگاشته شده است، نشانه‌ای دیگر بر توجه سید مرتضی به این حوزه از ادب است [نک: ۴۶، ج ۲، صص ۸۹-۹۷].

در سال‌های انتقال به سده پنجم قمری، بایستی از نواده نعمانی، مشهور به «الوزیر المغربي» (۳۷۰-۴۱۸ق) یاد کرد [۷۳، ص ۶۹]. او اگرچه اصالتاً عراقی نبود اما مدت قابل توجهی از عمر خود را در بغداد گذراند و چنان ارتباط خوبی با دستگاه‌های مختلف حکومتی برقرار کرد که از منصب دبیری تا مقام وزارت پیش رفت [۴۷، ج ۱۲، صص ۲۷۴-۲۷۵؛ ۷۷، ج ۳، صص ۱۶۲-۱۶۳]. افزون بر این، کتاب‌های وی همچون کتاب *الإلحاق بالاشتقاق*، *اختیار شعر اَبی تمام*، *اختیار شعر البحتری*، *اختیار شعر المتنبی* و *دیوان الشعر* بر تخصص او در حوزه ادب زبان‌شناختی دلالت دارد. نگارش کتاب *ادب الخواص* توسط او نیز از اهمیت جایگاه ادب در اندیشه او حکایت می‌کند [۱۰، ج ۲، ص ۱۷۲؛ ۴۷، ج ۱۲، ص ۲۷۶].

۵. نتیجه‌گیری

همزمان با تأسیس بغداد در سال ۱۴۵ق. و به ویژه در پی حضور امامان معصوم^(ع) در این شهر، شماری از اصحاب برجسته^(ع) به این بوم مهم سیاسی کوچ کردند و مدرسه علمی امامیه در بغداد را بنیان نهادند. جریان فکری ادب، بخشی از این جماعت امامی را تشکیل می‌داد که پژوهش حاضر با هدف تبیین ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری این جریان، معرفی شخصیت‌ها و آثار برجسته آن، و ویژگی‌های شاخص این جریان امامی، به نتایج زیر دست یافت:

۱. اثرپذیری گسترده خلافت عباسی از فرهنگ ایرانی و نیاز به تشکیل ساز و کار حکومتی برای اداره ممالک وسیع اسلامی، از مهمترین دلایل وام‌گیری شیوه دیوانسالاری ایرانی از سوی حکومت عباسی بود؛ شیوه‌ای که باعث ورود گفتمان «ادب دیوانی» به جهان اسلام شد.

۲. عالمان امامی به ویژه آن‌ها که تباری ایرانی داشتند و با گفتمان نوپدید «ادب» آشنا بودند، از بدو تأسیس شهر بغداد و انتخاب آن به عنوان پایتخت سیاسی جهان اسلام، به لایه‌های مختلف دستگاه خلافت عباسی راه یافته و علاوه بر مصاحبت و ارتباط با امامان معصوم^(ع) و نقل روایات ایشان، به مشاغل دیوانسالاری در بغداد اشتغال یافتند.

۳. گروهی از اهل ادب امامی‌مذهب در بغداد از راه‌های گوناگونی، موفق به برقراری ارتباط با دستگاه خلافت عباسی شدند. برخی از ایشان به دلیل آشنایی با فنون کتابت و دبیری، به فعالیت در بخش‌های مختلف دیوان‌های حکومتی چون دیوان خراج و دیوان مظالم اشتغال داشتند. گروهی دیگر از اهل ادب نیز به دلیل تسلط بر آداب مجالست و همنشینی با سلاطین، به عنوان ندیمان خلفای عباسی موفق به حضور در دربار شدند. نیز تأدیپ برخی از فرزندان خلفا، به اهل ادب امامی بغداد سپرده شد؛ مؤدبانی که به واسطه اشتها به آداب دانی، توان آموزش رفتارها و خصایل پسندیده اجتماعی به نزدیکان خلفا را یافته بودند. برخی دیگر از ادیبان امامی نیز به دلیل تبخّر در شعرسرایی، ارتباط مداومی با دستگاه خلافت برقرار کرده و با مدح خلفای عباسی از جایگاه مناسبی نزد آن‌ها برخوردار شدند.

۴. در عرض گروهی از ادیبان امامی‌مذهب در بغداد که به «ادب دیوانی» گرایش داشتند، باید از گروه دیگری از ایشان یاد کرد که از سرآمدان «ادب زبان‌شناختی» در این بوم به شمار آمده، به تألیف آثار گرانسنگی در همین رابطه همت گماردند.

۵. اثرپذیری اهل ادب امامیه از تعالیم و آموزه‌های اخلاقی - دینی امامان معصوم^(ع)

باعث شد که آثار ارزنده‌ای همچون *نهج البلاغه* که نمونه‌ای کم‌نظیر از پیوند میان «ادب اخلاقی - دینی» با «ادب زبان‌شناختی» است، در بوم بغداد به رشته تحریر درآیند.

منابع

- [۱]. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۷). «ادب»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. جلد هفتم، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- [۲]. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۹۸۳). *الذریعة إلى تصانیف الشيعة*. بیروت، دار الأضواء.
- [۳]. ابن ابی الحدید، عزالدین (۱۹۹۸). *شرح نهج البلاغة*. تحقیق محمد عبدالکریم النمری، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۴]. ابن ابی الدنيا، عبدالله بن محمد (۲۰۱۰). *موسوعة الإمام ابن أبي الدنيا*. تحقیق خیری بن سعید، قاهره، دار التوفیقیة للتراث.
- [۵]. ----- (۲۰۱۰). *موسوعة رسائل ابن أبي الدنيا*. تحقیق احمد فرید المزیدی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۶]. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۹۹۷). *الکامل فی التاریخ*. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی.
- [۷]. ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰). *السرائر*. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۸]. ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۴۰۶). *لسان المیزان*. بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- [۹]. ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۹۸۸). *تاریخ ابن خلدون*. تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر.
- [۱۰]. ابن خلکان، احمد بن محمد (؟). *وفیات الأعیان*. تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر.
- [۱۱]. ابن داود حلی، حسن بن علی (۱۳۴۲). *الرجال*. تحقیق محمدصادق بحرالعلوم، تهران، دانشگاه تهران.
- [۱۲]. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (؟). *معالم العلماء*. تحقیق محمدصادق بحرالعلوم، بیروت، دار الأضواء.
- [۱۳]. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم (۲۰۰۲). *عیون الأخبار*. تحقیق محمد الإسکندرانی، بیروت، دار الکتب العربی.

- [۱۴]. ----- (۱۹۹۷). *أدب الکاتب*. تحقیق محمد طعمه الحلبي، بیروت، دار المعرفة.
- [۱۵]. ----- (۱۹۹۲). *المعارف*. تحقیق ثروت عکاشه، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- [۱۶]. ابن مقفع، عبدالله (۱۹۹۴). *الأدب الصغير و الأدب الكبير*. بیروت، دار الكتاب العربي.
- [۱۷]. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۹۸). *الفهرست*. بیروت، دار المعرفة.
- [۱۸]. ابوغالب زراری، احمد (۱۳۶۹). *رسالة أبي غالب الزراري*. قم، مرکز البحوث و التحقيقات الإسلامية.
- [۱۹]. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۴۵). *خاندان نوبختی*. تهران، کتابخانه طهوری.
- [۲۰]. امین، سید محسن (؟). *أعيان الشيعة*. تحقیق حسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- [۲۱]. انصاری، حسن (۱۳۷۰). «ابن عبدون»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. جلد چهارم، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- [۲۲]. بحر العلوم، سید مهدی (۱۳۶۳). *الفوائد الرجالية*. تحقیق محمدصادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم، تهران، مکتبه الصادق.
- [۲۳]. بخاری، محمد بن إسماعیل (۱۹۹۶). *الأدب المفرد*. تحقیق حبیب محمد طه، بیروت، مؤسسه الكتب الثقافية.
- [۲۴]. ----- (۱۹۸۷). *الصحيح*. تحقیق مصطفی ديب البغا، بیروت، دار ابن کثیر.
- [۲۵]. برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲). *الرجال*. تحقیق حسن مصطفوی، تهران، دانشگاه تهران.
- [۲۶]. بروکلیمان، کارل (؟). *تاریخ الأدب العربي*. ترجمه عبدالحلیم النجار، قم، دار الكتاب الإسلامي.
- [۲۷]. بستانی، بطرس (؟). *دائرة المعارف: قاموس عام لكل فن و مطلب*. بیروت، دار المعرفة.
- [۲۸]. بهرامیان، علی (۱۳۸۳). «بغداد: تاریخ: از بنیاد تا عصر امیر الامرایان»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. جلد دوازدهم، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- [۲۹]. پاشا، احمد زکی (۱۹۱۴). *مقدمه بر التاج فی أخلاق الملوك منسوب به جاحظ*. قاهره، دار إحياء التراث العربي.

- [۳۰]. پاکتچی، احمد (۱۳۹۲). *تأملاتی در مباحث فرهنگ اسلامی*. به کوشش مرتضی سلمان نژاد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- [۳۱]. ----- (۱۳۹۲). *نصوص و أبحاث حول نهج البلاغه و مدونه*. تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- [۳۲]. ----- (۱۳۹۱). «حوزه‌های کم‌شناخته و متقدم حدیث و معارف امامیه در عراق، شام و مصر». *صحیفه مبین*، دوره ۱۸، شماره ۵۲، پاییز و زمستان، صص ۱۲۵-۱۶۶.
- [۳۳]. ----- (۱۳۸۳). «بغداد: علوم و معارف دینی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. جلد دوازدهم، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- [۳۴]. ----- (۱۳۸۱). «بخاری»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. جلد یازدهم، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- [۳۵]. جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۶۴). *رسالة فی ذم أخلاق الکتاب*، ضمن *رسائل الجاحظ*. تحقیق محمد عبدالسلام هارون، قاهره، مکتبه الخانجی.
- [۳۶]. ----- (۱۹۶۴). *رسالة فی صناعات القواد*، ضمن *رسائل الجاحظ*. قاهره، مکتبه الخانجی.
- [۳۷]. ----- (۱۹۱۴). *کتاب التاج فی أخلاق الملوک*. تحقیق أحمد زکی پاشا، قاهره، دار إحياء التراث العربی.
- [۳۸]. حسن دوست، محمد (۱۳۹۳). *فرهنگ ریشه‌شناسختی زبان فارسی*. تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- [۳۹]. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۲۲). *تاریخ بغداد*. تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
- [۴۰]. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تحقیق محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.
- [۴۱]. زرکلی، خیرالدین (۲۰۰۲). *الأعلام*. بیروت، دار العلم للملایین.
- [۴۲]. زریاب، عباس (۱۳۷۴). «آل نویخت». *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. جلد دوم، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- [۴۳]. سجادی، صادق (۱۳۹۴). «دیوانسالاری ایرانی به روزگار اسلام تا پایان عصر اول عباسی»، *تاریخ جامع ایران*. جلد ششم، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- [۴۴]. سید بن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۶). *فلاح السائل و نجاح المسائل*. قم،

بوستان کتاب.

[۴۵]. سید رضی، محمد بن الحسین (۱۴۱۴). *نهج البلاغه*. ترجمه و شرح علینقی فیض الإسلام، قم، انتشارات هجرت.

[۴۶]. سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵). *مسأله فی العمل مع السلطان*، ضمن رسائل الشریف المرتضی. تحقیق: احمد حسینی، قم، دار القرآن الکریم.

[۴۷]. صفدی، صلاح الدین (۲۰۰۰). *الوافی بالوفیات*. تحقیق احمد ارنؤوط، بیروت، دار إحياء التراث.

[۴۸]. طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۵). *تاریخ حدیث شیعہ (عصر غیبت)*. قم، دارالحدیث.

[۴۹]. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۷). *تاریخ الأمم و الملوک*. بیروت، دار الکتب العلمیة.

[۵۰]. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰). *الفهرست*. قم، انتشارات ستاره.

[۵۱]. ----- (۱۴۱۴). *الرجال*. تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.

[۵۲]. طه حسین (۱۹۸۹). *فی الأدب الجاهلی*. قاهره، دار المعارف.

[۵۳]. ----- (۱۹۸۲). *من تاریخ الأدب العربی*. بیروت، دار العلم للملایین.

[۵۴]. عبدالحمید بن یحیی (۱۹۱۳). *رسالة إلى الكتاب، ضمن رسائل البلغاء* محمد کرد علی. قاهره، دارالکتب العربیة الکبری.

[۵۵]. عکاشه، ثروت (۱۹۹۲). *مقدمه بر المعارف ابن قتیبه*. قاهره، الهیئة المصریة العامة للكتاب.

[۵۶]. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱). *خلاصة الأقوال*. نجف اشرف، دار الذخائر.

[۵۷]. علوی، سید علی (۱۳۹۰). *تاریخ تحولات سیاسی و اداری در ایران*. تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

[۵۸]. فرهوشی، ابراهیم (۱۳۴۶). *فرهنگ پهلوی*. تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

[۵۹]. کرامتی، یونس (۱۳۸۳). «بغداد: تاریخ علم»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. جلد دوازدهم، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

[۶۰]. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳). *معرفة الرجال*. اختیار شیخ طوسی، تحقیق: مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت (ع).

[۶۱]. مؤدب، سید رضا (۱۳۸۴). *تاریخ حدیث*. قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.

- [۶۲]. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۶۳]. محاسبی، حارث بن اسد (۱۴۱۱). *آداب النفوس*. بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیة.
- [۶۴]. محیط طباطبایی، محمد (۱۳۱۸). «ادب و ادیب». ماهنامه آموزش و پرورش، سال ۹، شماره ۱، فروردین، صص ۲-۸.
- [۶۵]. مرزبانی، محمد بن عمران (۱۹۸۲). *معجم الشعراء*. تحقیق ف. کرنکو، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۶۶]. مزیدی، احمد فرید (۲۰۱۰). مقدمه بر *موسوعه رسائل ابن ابي الدنيا*. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۶۷]. مسلم بن حجاج (؟). *الصحيح*. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۶۸]. مشکور، محمد جواد (۱۳۴۶). *فرهنگ هنر وارش های پهلوی*. تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- [۶۹]. مظفر، محمد حسین (؟). *تاریخ الشیعة*. قم، انتشارات بصیرتی.
- [۷۰]. معارف، مجید (۱۳۸۸). *تاریخ عمومی حدیث*. تهران، انتشارات کویر.
- [۷۱]. ----- (۱۳۷۶). *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*. تهران، مؤسسه ضریح.
- [۷۲]. موسوی تنیانی، سید اکبر (۱۳۹۴). «مدرسه حدیثی امامیه در بغداد (در عصر حضور)». علوم حدیث، دوره ۲۰، شماره ۷۶، تابستان، صص ۱۳۷-۱۵۹.
- [۷۳]. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *الرجال*. قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۷۴]. وجدی، محمد فرید (۱۹۷۱). *دائرة المعارف القرن العشرين*. بیروت، دار المعرفة.
- [۷۵]. وهمن، فریدون (۱۳۹۴). «آموزش و پرورش در ایران باستان»، *تاریخ جامع ایران*. جلد چهارم، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- [۷۶]. یاقوت حموی، شهاب الدین (۱۹۹۵). *معجم البلدان*. بیروت، دار صادر.
- [۷۷]. ----- (۱۹۹۱). *معجم الأدباء*. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۷۸]. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۴۲۲). *البلدان*. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [79]. Bray, Julia (2006). "Adab", *Medieval Islamic Civilization: An Encyclopedia*. ed. Josef W. Meri, vol. 1, New York/ London, Routledge.
- [80]. Gabrieli, F. (1986). "Adab", *The Encyclopedia of Islam*. 2nd ed., vol. 1, Leiden, Brill.